

شماره نهم

سال پانزدهم

مَجَلَّةُ اَمْعَانِ

آذر ماه

دسامبر

۱۳۱۳ شمسی

۱۹۳۴ - مسیحی

تاسیس بمن ماه ۱۲۹۸ شمسی

«هدیر و نگارنده و حید دستگردی»

تصحیح خمسه نظامی

سبب ظهور غلط و سقط و تحریف - پر غلط ترین دیوان شعر - تصحیح
بذوق و سلیقه - اشعار الحاقی - کیفیت تصحیح - شرح ابیات و لغات
تقریظ و انتقاد - جواب حاسدان و دشمنان نظامی

سبب ظهور غلط | سبب ظهور غلط و بیدایش سقط و تحریف در کتب و دواوین
و سقط و تحریف | نظم و اثر دو چیز است :

اول - دور بودن معنی شعر از ذهن عوام که بیشتر قلم کتبات در دست
آنان و غالباً مصداق قضیه حینه لادائمه منطقی معروف میباشند.

دوم - کثرت استنساخ و تعداد کاتب که بطبع باعث ظهور غلط و اشتباه میشود.
کتب و دواوین شعر اساتید باستان هیچیک ازین بلیه مصون نبوده و اگر گاهگاه
در طی ادوار و روزگارهای پیشینه سخن شناسان در آن دواوین مداخله و تصرف
تصحیح و مقابله نمیکردند قلم کاتب تاکنون هیچ دیوان و دفتر ناقصی هم چنانچه الان
باقست برای ما باقی نگذاشته بود.

پر غلط ترین | دواوین شعر اساتید باستان چنانچه گفتیم هیچیک ازین خطر
دیوان شعر | مصون نیستند حتی دیوان شیخ بزرگوار سعدی شیرازی با آنهمه
شهرت و نزدیکی بذهن عوام بی نهایت مغلوط و اگر کسی بانسخ کهن سال مقابله
کند بخرابی و اغلاط بسیار آن بی خواهد برد. آری دیوان شیخ بزرگوار محتاج

بتصحیح کامل و طبع صحیح است .
 وانتظار از عصر دانش حصر شاهنشاه پهلوی خلدالله ملکه چنانست که بهمت
 فاضل مقدم آقای حکمت کفیل محترم معارف ایران اینکار هم انجام پذیر گردد .
 در میان تمام دواوین دیوان حکیم خاقانی و دیوان حکیم نظامی از همه
 مغلوپ تر و خراب تر و نیز دیوان نظامی ده برابر دیوان خاقانی غلط و سقط
 و تحریف دارد .

علت هم چنانچه گفته شد کثرت استنساخ است که شاید هیچ دیوانی باندازه
 نظامی استنساخ زیاد نشده و در دست کاتبان دچار سقط و تحریف نگردیده است .
 تصحیح بذوق | علت العنل وجود این همه اغلاط در دیوان نظامی علاوه بر آنچه
 و سلیقه | گفتیم تصحیح کاتبانست بذوق و سلیقه خود که گذشته از سهوا و اشتباه
 هر کاتبی هریت یا مصراع یا کلمه را تفهیمیده بیش خود غلط فرض کرده و بدون
 مراجعه و بررسش از اسانید سخن یا رجوع بدفتر دیگر مطابق ذوق تصحیح کرده و در نتیجه
 اینگونه تصحیحات از هزاران کاتب بیذوق نادان دیوان استاد بزرگ سخن بدین
 روز تباہ افناده است ، از باب مثل تصحیحاتی که کاتبان در یک بیت کرده اند و در
 نسخ موجود ما وجود دارد و البته صد گونه تصحیح هم در نسخ دور از دست ماست
 دیلا، مینگاریم . در این بیت :
 مرا در کویت ای شمع نکوئی | فلک پای بز افکنداست گوئی
 کاتب خیال کرده است که پای بز در اینجا معنی ندارد و غلطست از اینجهت
 بذوق خود یکی تصحیح کرده است (فلک شمعی در افکنداست گوئی) دیگری
 نوشته (فلک شمعی را کنداست گوئی) . (فلک شمعی فرو کرد است گوئی) . (مرا
 بیرون تر افکنداست گوئی) . (فلک پائی در افکنداست گوئی) . (فلک پائی بر افکنداست
 گوئی) . (فلک دانه بر افکنداست گوئی) . (فلک دانه پرا کنداست گوئی) .
 نظیر این مصراع هزارها در هر دفتر از پنج دفتر نظامی وجود دارد .

اشعار | بزرگترین جنایت و خبائتی که نسبت بدیوان نظامی معمول شده گنجاینیدن الحاقی^۱ اشعار الحاقی است. تاریخ این جنایت و جانی ناپاک معلوم نیست و همینقدر اجمالاً معلوم و مسلم است که در اواخر هفتصد هجری یکنفر کاتب و زان یا چند نفر اینکار را شروع کرده و در مقامات مختلف شعرهای بی ربط گنجاینده و جای داده اند و در خسرو و شیرین بیشتر از سایر دفاتر وی این جنایت تعقیب شده است. الحاق شعر دریاک قصیده یا یک غزل و قطعه از اساتید کاری مشکل است و از عهده و زان خارج و شاعر حقیقی هم هرگز چنین کاری نخواهد کرد و بدین سبب دو اوین قصیده و غزل اساتید ازین بلیه محفوظ مانده است.

این جنایت فقط نسبت بمنویات معمول شده و البته دیوان حکیم فردوسی هم ازین جنایت برکران نیست چنانچه در شاهنامه امیر بهادری یک صفحه تمام یکنفر از شعرای زنده کنونی شعر الحاق کرده و خودش هم منکر این عمل نیست. خمسه نظامی بمناسبت شیرینی سخن و دلپسندی افسانه بیشتر از هر متنوی مورد مطالعه و خواندن واقع شده و یک کاتب و زان یا چند نفر و زان بتدریج مطابق ذوق خود اشعار مهملی الحاق کرده اند و کم کم در حدود هشتصد و نهصد در تمام نسخ وارد شده است. *شکاه علوم الشانی و مطالعات فرنگی* علامت شعرهای الحاقی سستی و فرومایگی و بدون تناسب جای گرفتن است و نسخی که در حدود هفتصد هجری تا هفتصد و پنجاه نوشته شده بکلی از اشعار الحاقی منزّه و مبری میباشد.

اشعار الحاقی در خسرو و شیرین بیش از همه دفاتر و در قسمت فرهاد و شیرین بیشتر از سایر قسمت ها وجود دارد. دریاک نسخه از نسخ موجود ما یک شاعر الحاق کننده افسانه بنام (گرا) برای (طاق گرا) درست کرده و گرا را رقیب دیگری مانند فرهاد برای خسرو پرورش داده ولی این افسانه

چون هیچ سابقه از نظامی ندارد و بك بيت هم نگفته است که بتوان آنرا برده رخسار قباحت اشعار الحاقی قرار داد ازین سبب در تمام کتب خطی و چاپی وارد نشده و گویی کاتبان هم بالحاقی بودن آن بی برده ازین سبب باستنساخ نپرداخته اند، شایسته چنان بود که اشعار الحاقی بکلی از دیوان حکیم نظامی دور گردد ولی چون در نسخ چاپی و اغلب نسخ خطی بتفاوت این ابیات نگاشته شده و احتمال داشت بعضی از بدینان نسبت حذف ابیات حکیم نظامی را بجا بدهند ازین سبب بترك آنها نگاشته و بنام الحاقی در ذیل صفحات با علامت (ابرو مانند) نگاشتیم و برای اهل ذوق البته اشارت همین ابرو در الحاقی و مهممل بودن این ابیات کافیهست. در لیلی و مجنون و هفت پیکر و خرد نامه و شرف نامه شعر الحاقی کمتر از خسرو و شیرین است و آنچه هست ما در ذیل صفحات بهمان شیوه خسرو و شیرین خواهیم نگاشت.

در مخزن الاسرار هم تقریباً پنجاه تا صد بیت الحاقی یافت میشود ولی در موقع طبع مخزن چون در باب اشعار الحاقی مشکوک بودیم آن ابیات را از متن جدا نکردیم و انشاء الله بایک مطالعه دقیق ثانوی و مقابله کامل دیگر آن ابیات را هم جدا کرده و در پایان مقدمه و شرح حالی که بضمیمه دیوان قصیده و غزل ك جلد جداگانه است خواهیم نگاشت. ^{ساز}

تعجب ما از این است که در حدود هفتصد سال با اینهمه استنساخ و مطالعه اهل ذوق و ادب باشعار الحاقی کسی بی برده یا اگر برده در این باب سخنی نگفته و ننوشته است و شاید هم از اهل فضل و ذوق کسی بدین جنایات اشارت کرده و نوشته باشد ولی نظر قاصر ما نرسیده است.

فقط پس از ختم خسرو و شیرین یعنی در حدود آذر ماه ۱۳۱۳ شمسی بوسیله مهین مستشرق شعر شناس دانشمند (پروفیسور ریپکا) که از

طرف دوات چك و اسلاو کی در کنکره جشن هزارساله فردوسی سمت نمایندگی داشت و بحکم ذوق سلیم از جمله مستشرقان نظامی پرست است دو جلد کتاب تازه طبع از نظامی برهی عنایت گردید که در آن دو کتاب با شعار الحاقی اشارت رفته است. یکی از آن دو کتاب (هفت پیکر یا بهرام نامه) نظامی است که خود پروفیسر ریپکا بس از مقابله با چندین نسخه کهن سال از کتابخانهای اسلامبول در اسلامبول بطبع رسانیده و از هر جهت زحمات بی پایان در آن برده و در نسخ چاپی و خطی که تا امروز در دستها بوده و هست چنین نسخه صحیح کاملی وجود نخواهد داشت. در طبع هفت پیکر که شاید سال دیگر آغاز شود این نسخه نفیس برای ما کمک بزرگ است و در حقیقت تمام نسخ کهن سال نظامی موجود در کتب خانه های اسلامبول را در دسترس ما برای مقابله و تصحیح خواهد گذاشت. شرح و بیان خصوصیات و کلیه محسنات این نسخه را من بعد خواهیم نگاشت.

نسخه دیگر از یک مستشرق آلمانی (پروفیسور ه. و. دودا) که قسمت فرهاد و شیرین را با کمال دقت و مقابله از روی نسخ کهن سال تصحیح و طبع و به آلمانی ترجمه کرده و اشعار الحاقی را در ذیل قرار داده هر چند تمام اشعار الحاقی را از متن بیرون نیاورده ولی تا همین درجه هم جای بسی سپاس و شکر است.

کیفیت | در تصحیح و مقابله خمسه نظامی بدین روش و ترتیب که ما را پینه است

تصحیح | و باسی نسخه کهن سال بمقابله میپردازیم تقلید از روش مستشرقان اروپائی امکان پذیر نبود و نمیتوانستیم یک نسخه از نسخ کهنه را متن و بقیه را حاشیه قرار دهیم. زیرا در این صورت متن کتاب صحیح نمیشد و ناگزیر یک قسمت از اغلاط در متن جای میگرفت و نیز لازم می آمد که در هر صفحه فقط سه چهار بیت گنجانیده و بقیه صفحه را بنسخ مختلف و اغلاط گوناگون که نگارش همه بیفایده است اختصاص دهیم.

و در این صورت هیچکس از عهده برندی آمد که صحیح یا اصح را در حواشی پیدا کند و غلط را کنار بگذارد.

بعلاوه بسیار اتفاق می افتاد که در یک بیت پنج شش غلط در پنج شش کلمه وجود داشت و هر غلطی در یک نسخه از سی نسخه بتصحیح می پیوست و مصراع (فلك باى بزافکنداست گوئی) نمودار است از بسیار و مشتبی از خروار در این صورت تکلیف چه بود و چگونه شعر صحیح را از غلط باروش تقلید اروپائی ممکن بود بخواننده نشان داد.

این تقلید در سایر دواوین شعرا ممکن است زیرا در هر صفحه پنج شش و منتهی ده غلط بیشتر نیست ولی در خمسه نظامی امکان ندارد زیرا هر صفحه چنانچه مکرر گفته ایم مشتمل است بر صد غلط و چندین سقط و تحریف و تقدیم و تأخیر بعلاوه اشعار الحاقی!

پس بدین سبب ما بکلی از تقلید صرف نظر کرده و نسخه اصح را بتصدیق ذوق سلیم متن و صحیح را حاشیه و غلط را بکلی ترك کردیم.

این نکته هم نگفته نماند که در تمام تصحیحات از اول تا آخر کتاب بدوق و سلیقه خود یا کسی دیگر هیچ کلمه را تغییر و تبدیل نداده و نمیدهیم زیرا از مفاسد اینکار زشت مطلعیم و میدانیم که همین عمل باعث این همه اغلاط و سقط و تحریفها شده است.

هر گونه تصحیحی که در خمسه نظامی شده مطابق با نسخ صحیح کهن سال است و نسخ خطی از هزار سال هجری باینطرف و چاهی را هم مورد اعتنا نداده و قابل مقابله ندانسته ایم. دوستان و رفقای ادبی و دستیاران تصحیح ما آنچه را مینگاریم بچشم دیده اند و پس از ختم کتاب هم امیدواریم بتوانیم این نسخ کهن سال را در کتابخانه محترم معارف یادگار گذاشته و سند تصحیحات خود را بدسترس عموم بگذاریم.

نسخه های کهن سال و شرح دارد و بعضی را هم یهودیان برای سرلوح و صورت مثله

کرده اند بیست و پنج نسخه است که در حدود ششصد و پنجاه هجری قمری تانهد و هزار نوشته شده . پنج نسخه کهن سال هم در همین حدود از دوستان دستیاران ادب برسم امانت موجود است . برای مخزن الاسرار چنانچه در پایان آن نوشته ایم دو شرح مفصل هم در دست داشتیم که بتصحیح ما خالی از کمال نبود ولی برای خسرو و شیرین و لیلی و مجنون و هفت پیکر هیچگونه شرحی بدسترس مانیست . برای خردنامه و شرفنامه چندین شرح در هندوستان نگاشته شده و همه اینک ما را در دست است و البته خالی از فایده نخواهد بود . از دیوان قصیده و غزل نظامی هم بوسیله دوست فاضل و دانشمند خود (سید نورالله خان ایرانی پیرست) مقیم کاکته که خداوندش محفوظ دارد تاکنون چند نسخه بدست ما رسیده و مخصوصاً يك نسخه از آنها که یکی از فضلا و شعرای بزرگ هندوستان برای طبع تصحیح و مقابله کرده ولی از راه لطف برای ما فرستاده و خود از طبع کردن صرف نظر کرده است حائز اهمیت و کمال بسیار بتصحیح ما خواهد کرد .

دیوان قصیده و غزل نظامی آنچه از جنگها و سفینه ها تهیه شده با نسخ مختلفه هندوستان در حدود سه هزار بیت خواهد شد که انشاء الله پس از تصحیح و تدقیق کامل با مقدمه و شرح حال سال دیگر در یک جلد انتشار خواهد یافت .

شرح ابیات و لغات نظامی یکی از کارهای بسیار سخت و مشکل و معروفست که جامی شرحی بر خمسه نظامی نوشته و در آخر شرح چنین نگاشته :

سیصد بیت لاینحل باقی است که روز قیامت دامن نظامی را گرفته و از خودش

معنی و شرح آنرا خواهیم خواست .

شرح جامی را ماهنوز ندیده ایم و نمیدانیم این سخن هم حقیقت دارد یا نه و در هر حال این نظامی که از طرف اداره ارمغان در شش مجلد بتدریج منتشر میگردد دارای شرح و ترجمه لغات و ابیات و شعر لاینحلی برای روز قیامت بجای نمانده است و از اول تا آخر سی چهل بیت مشکوک بیشتر باقی نیست . مسلم پس از انتشار تمام این نسخ آنچه دیوان نظامی خطی و چاپی در عالم هست بیفایده و فقط نسخ خطی از ابیات جلد و خط و نقاشی دارای قیمت خواهد بود و هر کس طالب خواندن دیوان نظامی است از داشتن یکدوره تمام ناگزیر است .

امیرعلیشیر نوائی ممدوح جامی که خود نیز شاعر و صاحب دیوان شعر فارسی و ترکی است . شرحی بر دیوان نظامی نوشته ولی با همه جستجو ما را بدست نیامد تنها نامی از آن در کتب لغت فارسی تألیف هندوستان دیده ایم و البته نسخه آن شرح در هندوستان وجود خواهد داشت .

با همه دقت و صرف وقت بی نظیر که ما در ظرف چندین سال در تصحیح و نقد و شرح ابیات و ترجمه لغات این دیوان بکار برده ایم البته چنانچه رسم انسان است از سهو و نسیان و ندانستن دور نیستیم و ممکن است لغزشها

و خطاهائی را مرتکب شده باشیم پس هر کس از دوستان ادب و خداوندان ذوق از دور و نزدیک بعد از مطالعه دقیق سهو و خطائی بی برد یا نسخه کهن سال صحیحی در دست داشت و تصحیحی کاملتر از آن توانست نسبت بیک بیت یا چند بیت معمول دارد هر گاه برای ما بفرستد بانهایت شکران و امتنان پذیرفته و هر گاه کتاب ختم نشده است در خود دیوان و گرنه در مجله ارمغان بنام او خواهیم نگاهت و مخصوصاً خواهشمندیم از تمام فضلا و ادبای دور و نزدیک که هر گونه تقریظ یا نقدی در این باب دارند از راه لطف با اداره ارمغان برای طبع ارسال دارند .

جواب حاسدان | بی هنرائی چند در هر عصری از اعصار و دوری از ادوار وجود
و دشمنان نظامی | دارند که همواره لاغ گوئی و یاوه سرائی را عادت کرده و پیوسته
اهل هنر را هدف تبرطعن و نکوهش غرض آمیز قرار میدهند.

این گروه در زمان نظامی هم فراوان بوده و هر دفتری از پنج دفتر نظامی که
منتشر میشد چون غریب و تازه وارد و سخن بگر بود آن سگان غریب آزار به
عوعو افتاده و از هیچگونه بد گوئی فراموش نمیکردند بحدی که نظامی با آن
همه عفت و عصمت طبع ناگزیر در هر دفتری چند بیت در نکوهش آنان
سروده است .

گوئی فرزندان همان پدران امروز هم موجودند و هر نسخه از نسخ نظامی
که پس از تصحیح و تشریح کامل منتشر میگردد عوعو کنان بر طینت خود تنیده
و نه تنها با بلکه استاد بزرگ باستان هم زبان جسارت دراز و بلاهت و حماقت خود را
بعالمیان ثابت می سازند .

مادر جواب این اشخاص خود سخنی نگفته و فقط چند بیت از ایاتی که حکیم نظامی
در نکوهش و تأدیب پدران زشت آنان سروده در پایان مقاله اکتفا کرده و حکمیت را
بخداوندان ذوق و ادب و فضل واگذار میکنیم .
در پایان مخزن الاسرار فرماید :

گر هنری سر زمین بسوزند	بیهنری دست بدان در زند
کار هنرمند به جان آورند	تا هنرش را بزبان آورند
چشم هنرین نه کسی را درست	جز خال و عیب ندانند جست
عیب خرنده این دوسه ناموس گر	بیهنر و بر هنر افسوس گر
دود شوند از بدماغی رسند	باد شوند از بچراغی رسند
برسخن تازه تر از باغ روح	منکر دیرینه چو اصحاب نوح

ای علم خضر غزائی بکن
وی نفس نوح دعائی بکن
در پایان خسرو و شیرین فرماید

سخن بی حرف نیک و بد نباشد
ولی آن کر معانی با نصیب است
اگر شیری غریبانرا میفکن
بسا منکر که آمد تیغ درمشت
بسا گویا که بامن گشت خاموش
چو عیسی بر دوزانویش بنشست
همه کس نیک خواهد خود نباشد
بداند کاین نمط طرزی غریب است
غریبان را سگان باشند دشمن
مرا زد تیغ و شمع خویش را گشت
درازش از زبان آمد سوی گوش
خری با چار پا آمد فرادست

تحمیل بین که بینم هندوی خویش
چو تر کانش جنیت میکشم پیش
که آن بی پرده را موزون کنم ساز
که این گنجشک را گویم زهی باز

زهر کشور که بر خیزد چراغی
دهندش روغنی از هر ایاهی
ور اینجا عنبر بن شمعی دهد نور
ز باد سردش افشاند کافور
بشکر زهر میباید چشیدن
من از دامن چو دریا ریخته در
گر بیانم ز سنک طعنه ها پر

نکاری اگدش است این نقش دمساز
بدر هندو و مادر ترک طنناز
مسی پوشیده زیر کیمبائی
غلط گفتم که گنجی واژدهائی
دری در ژرف دریائی نهاده
چراغی بر چلیپائی نهاده
تو در بردارو دزبهارا زها کن
چراغ از قبله ترسا جدا کن
مبین کاشگهی را رهنمونست
عبارت بین که طلق اندود خونست

عروسی بکرین باتخت و باتاج سروین بسته در توحید و معراج
در آغاز لیلی و مجنون فرماید

حاسد ز قبول این روائی دور از من و تو بژاژ خائی

چون سایه شده پیش من بست تعریض مرا گرفته در دست

سایه که قیصه سازمرد است در طنز لری گران نوردست

طنزی کند و ندارد آزم چون چشمش نیست کی بود شرم

پیغمبر گو نداشت سایه آزاد نبود ازین طلایه

دریای محیط را که پاکست از چرک دهان سک چه پاکست

هر چند ز چشم زرد گوشان سرخ است رخم ز خون جوشان

چون بحر کنم کناره شوئی اما نه ز روی تلخ روئی

در منکر صنعتم بهی نیست که الا شب چار شبهی نیست

بیند هنر و هنر نداند بد میکند اینقدر نداند

هر ناموری که او جهان داشت بد نام کنی ز هم رهان داشت

یوسف که ز ماه عقدی بست از حقد برادران نمیرست

عبسی که دمش نداشت دودی میرد جفای هر جهودی

احمد که سر آمد عرب بود هم خسته خار بو لهب بود

دائم که غضب نهفته بهتر گاه علوم انسانی

لیکن بحساب کار دانی هم خسته خار بو لهب بود

آنکس که ز شهر آشناییست ز مال جامع علوم انسانی

وانکو بگری بمن کشد دست داند که متاع ما کجا ئیست

در هفت پیکر و خردنامه و شرف نامه نیز از ناکسان و پنهان و حسودان نکوهش

فرموده و چون هنوز بطبع آن دفترها شروع نشده در اینجا نقل نکردیم (وحید)

خیصمش نه منم که جز منی هست